بررسی عبارات سؤال از شیخ مفید و تبیین قرائن شیعه بودن سائل

قبل از اینکه سند دو حدیث را بررسی کنیم، نکته‌ای از هفته قبل عرض می‌کنم. اشکالی را مطرح فرمودند راجع به حرفی که من از عبارت شیخ مفید در مسائل سرویه عرض کردم. فرمودند: این مطلبی که به شیخ مفید نسبت داده شد، درست نیست. فرموده‌اند: «درست است که مسائل سرویه از شخصی که ایشان در مقدمه به‌عنوان السید الشریف نقل می‌کند و ایشان هم با توجه به جمله اقر عیون الشیعه بنظارة الایام، شیخی شیعی بوده است»؛ یعنی سؤال کننده در مسائل السرویه که از ساری بوده، شیعه بوده، «اما در کیفیت سؤال ایشان اگر دقت شود معلوم است که سؤال از جانب مخالفین است»؛ یعنی ایشان می‌خواهند به بحث بیاندازند که سنی ها این را می‌گویند و ما می‌خواهیم جواب بدهیم. «و اساساً این مطلبی بوده که مخالفین به شیعه نسبت می‌دادند». ایشان هم می‌خواهد از حرف آن‌ها در اینجا بگوید.

شاگرد: بحث در این بود که همه هفت قرائت نازل شده باشد؟

استاد: حالا من عبارت ایشان را می‌خوانم. ایشان به مباحثه اشکال کرده‌اند. من ظاهر مقصود ایشان را عرض می‌کنم تا بعد ببینیم.

«و اساساً این مطلبی بوده که مخالفین به شیعه نسبت می‌دادند در تعبیری سؤال ایشان آمده است: فان قال قائل کیف یصح القول بان الذی بین الدفتین کلام الله... و انتم تروون»؛ یعنی انتم ایها الشیعه؛ اگر او شیعه بود که نمی گفت «انتم تروون»، بلکه می‌گفت «نحن نروی». «این عبارت واضح است که از جانب شخصی سنی مطرح شده است، و الا چه معنا دارد که بگوید «وانتم تروون» و ضمیر در عبارت «مع انه لاینکر» به همین شخص سنی می‌خورد که اشکال به شیعه کرده است و الا می‌گفت «مع انا لاننکر». نه اینکه «مع انه لاینکَر». حداقل این است که نباید ادعا شود که معلوم است، مخاطب یک شخص شیعه است. این فرمایشی است که فرستاده‌اند. تشکر می‌کنیم از همه کسانی که دنباله بحث را می‌گیرند و افاده می‌کنند.

ببینید آن چه که من عرض می‌کنم چون متن قدیمی شیخ است، هر چه هم روی آن کار شود جا دارد. من هم به‌عنوان یک احتمال گفتم. حالا هم ذیل فرمایش ایشان توضیحی را عرض می‌کنم تا ببینیم درست کدام است و سر می‌رسد ای نه. بعد هم ذهن شما و سائر ناظرین و صاحب‌نظران نگاه می‌کنند و تصمیم می‌گیرند که اظهر و ظاهر کدام است.

نسبت به اصل اینکه فرمودند سائل در مسائل سرویه می‌گویند «فان قال قائل» می‌گوییم، «فان قال قائل» سؤال سائل نیست. در کتاب مسائل سرویه سائل یازده سؤال پرسیده است. سؤال نهمش همین است. شیخ فرمودند در یک مدرجی گذاشتی که جا نبود من جواب های تو را زیر هر سؤالی بنویسم. فرمودند این را در کتاب دیگری گذاشتم و هر سؤال را می‌آورم و زیر آن‌ها

مینویسم. ابتدا این را فرمودند. سزاده سؤال را فرمودند و بعد جواب میدهند. بحث ما سؤال نهم است. ایشان سؤال نهم را مطرح میکنند، «ان قال قائل» برای خود شیخ مفید است. عبارت خود ایشان در وقتی است که جواب میدهند. نه اینکه سائل از باب حرف یک سنی مقابل شیخ مفید بگوید انتم تروون. پس این حرف خود شیخ مفید است. این معلوم باشد. من سؤال را میخوانم.

> ما قوله أدام الله تعالى حراسته في القرآن أ وه ما بين الدفتين الذي في أيدي الناس أم هل ضاع مما أنزل الله تعالى على نبيه منه شيء أم ال.و هل وه ما جمعه أمير المؤمنين (ع) أم ما جمعه عثمان بن عفان على ما يذكره المخالفون[1]

«ما قوله أدام الله تعالى حراسته في القرآن»؛ حال ببینید سؤالی که ایشان میکنند سؤال یک سنی است؟ میخواهد حرف آنها را بگوید؟ یا سؤال شخصی است که شیعه است و میخواهد اعتقادات خودش را از بزرگ شیعه که شیخ مفید است، بپرسد؟ ریخت سؤال نهم را نگاه کنید.

«أ وه ما بين الدفتين الذي في أيدي الناس أم هل ضاع مما أنزل الله تعالى على نبيه منه شيء أم ال»؛ آیا همین است یا بخشی از قرآن در مصحف نیامده است؟ این سؤال اول است. سؤال دوم:**«و هل وه ما جمعه أمير المؤمنين (ع) أم ما جمعه عثمان بن عفان على ما يذكره المخالفون»**؛ «وه» به چه چیزی میخورد؟ **«في القرآن او وه ما بين الدفتين... هل وه ما جمعه اميرالمؤمنين اما ما جمعه عثمان على ما يذكره المخالفون»**؛ سائل کلمه مخالفون را میآورد و منظورش هم اهلسنت است. اهلسنت میگویند عثمان مصحف را جمع کرده و قرآن هم همین است. ما چه میگوییم؟ ما میگوییم قرآن همینی است که او جمع کرده؟ یا مصحف امیرالمؤمنین است که شیعه و سنی روی آن اتفاق دارند که امیرالمؤمنین مصحف خودشان را دارند؟ این سؤال دو بخش دارد. آیا چیزی از قرآن کم شده یا نشده؟ دوم، آن مصحف، مصحف امیرالمؤمنین است یا آنی است که عثمان جمع کرد؟

> الجواب لا شك أن الذي بين الدفتين من القرآن جميعه كلام الله تعالى و تنزيله و ليس فيه شيء من كلام البشر و هو جمهور المنزل.و الباقي مما أنزله الله تعالى عند المستحفظ للشريعة المستودعلأحكام لم يضع منه شيء...غير أن الخبر قد صح عن أئمتنا (ع) أنهم أمروا بقراءة ما بين الدفتين و أن لا يتعداه إلى زيادة فيه و لا نقصان منه حتى يقوم القائم (ع) فيقرأ للناس القرآن على ما أنزله الله تعالى و جمعه أمير المؤمنين (ع)...و إنما نهوا (ع) عن قراءة ما ورد به الأخبار من أحرف تزيد على الثابت في المصحف لأنها لم تأت على التواتر و إنما جاء بها الآحاد و قد يغلط الواحد في ما ينقله[2]

«الجواب»؛ مرحوم شیخ مفید از اول تا آخر کارشان این است: «السوال و الجواب». «الجواب» که شروع شد دیگر سؤال از ناحیه سائل نیست. تمام عبارات خود شیخ مفید است. شروع میکنند مطالب را توضیح میدهند که در کتاب هم باب بندی کردهاند. مثلاً «صیانة القرآن، لزوم تقیید بما في الدفتین...»، تا اینجا که میفرمایند: «وحدة القرآن و تعدد القرائات». ظاهراً این عنوانی برای محققین کتاب است. به اینجا میرسد بعد از اینکه جواب دادند که ائمه علیهالسلام به ما امر کردهاند ولو قرائات دیگری باشد سراغ آنها نرویم و ملزم با یقین باشیم و تنها متوجه متیقن باشیم، در چنین فضایی میفرمایند: «أمروا بقراءة ما بين الدفتين»، «و إنما نهوا (ع) عن قراءة ما ورد به الأخبار»؛ در اینجا بود که آن عبارت خیلی مهم را فرمودند. فرمودند: «لأنها لم تأت على

التواتر»؛ هر چه که غیر از بین الدفتین باشد، «لم تات علی التواتر و إنما جاء بها الآحاد»؛ و حال آنکه در ثبوت قرآن کریم باید تواتر باشد. این عبارت مهمی بود؛ اقدم بر کسانی که گفته شده در این کتابها تواتر را به کار نمی برند، ایشان هستند که به کار بردهاند.

تا اینجا که فرمودند: «فان قال قائل»؛ این عبارت جواب خودش شیخ است.

> فإن قال قائل كيف يصح القول بأن الذي بين الدفتين هو كلام الله تعالى على الحقيقة من غير زيادة فيه و لا نقصان و أنتم تروونعن الأئمة (ع) أنهم قرءوا كنتم خير أئمة أخرجت للناس و كذلك جعلناكم أئمة وسطا و قرءوا يسألونك الأنفال و هذا بخلاف ما في المصحف الذي في أيدي الناس.قيل له قد مضى الجواب عن هذا و هو أن الأخبار التي جاءت بذلكأخبار آحاد لا يقطع على الله تعالى بصحتها فلذلك وقفنا فيها و لم نعدل عما في المصحف الظاهر على ما أمرنا به حسب ما بيناه.مع أنه لا ينكر أن تأتي القراءة على وجهين منزلين أحدهما ما تضمنه المصحفو الثاني ما جاء به الخبر كما يعترف مخالفونا به من نزول القرآن على أوجه شتى[3]

«**فإن قال قائل**»؛ در این قائل سه احتمال هست. من آنها را میگویم و بعد ذیل عبارت میبینیم که کدام یک از آنها اظهر است. «فان قال قائل من المخالفین»، «فان قال قائل من الشیعه»، «فان قال قائل من الثالث» که نه شیعه و نه سنی است. ناظر بیرونی است. این سه احتمال است. در ذیل عبارت ایشان ببینیم این قائل با کدام یک از اینها مناسبتر است.

«**كيف يصح القول بأن الذي بين الدفتين هو كلام الله تعالى على الحقيقة من غير زيادة فيه و لا نقصان**»؛ که ایشان تقویت کردند. «**و أنتم تروونعن الأئمة (ع) أنهم قرءوا كنتم خير أئمة أخرجت للناس و كذلك جعلناكم أئمة وسطا و قرءوا يسألونك الأنفال و هذا بخلاف ما في المصحف الذي في أيدي الناس**»؛ درحالیکه شما میگویید کم و زیاد نشده است؟!

«**قيل له**»؛ جواب شیخ مفید به این قائل است.«**قد مضى الجواب عن هذا و هو أن الأخبار التي جاءت بذلكأخبار آحاد لا يقطع على الله تعالى بصحتها فلذلك وقفنا فيها و لم نعدل عما في المصحف الظاهر على ما أمرنا به حسب ما بيناه**»؛ ما را به این مصحف امر کردهاند. این قطعی متواتر است و به ظن مراجعه نمیکنیم.

«**مع أنه لا ينكر**»؛ یعنی قائل منکر نیست؟ ای «لایُنکَر»؟ یعنی این مطلب منکری نیست که«**أن تأتي القراءة على وجهين منزلين أحدهما ما تضمنه المصحفو الثاني ما جاء به الخبر كما يعترف مخالفونا به من نزول القرآن على أوجه شتى؛ فمن ذلك**» که سه مثال میزنند. این قائل کیست؟ ایشان میفرمایند قائل یک سنی است. او دارد میگوید «انتم تروون». شما چطور حاضرین بگویید که مصحف کم و زیاد نشده است؟ و حال آنکه شما از ائمه خودتان روایات این چنینی دارید. ایشان هم جواب میدهند اوالاً ما قبول نداریم چون اینها روایات آحاد است که از ائمه آمده است. ثانیاً شمای اهلسنت هم میگویید تعدد نزول دارد، خب اینجا هم تعدد نزول دارد.

خب اگر مراد از این عبارت سنی ها بوده، روی ارتکاز خودتان نباید عبارت به این شکل گفته شود؟! «فان قال قائل کیف یصح القول بان ... و کلام الله و انتم تروون»؛ یعنی انتم الشیعه،

«قیل له مع انه لاینکَر»، درحالی‌که باید بگوینَد «مع انه لاتنکر». مگر این‌که بگوینَد چون «له» گفته شده. و الا بعد از «قیل له» دیگر خطاب می شود. «مع انه لاینکر»؛ یعنی این قائل که از اهلسنت بوده به او گفته می‌شود «انه لاینکر». بعد می‌گویند «کما یعترف مخالفونا». چطور شد می‌گویند «قیل له»، درحالی‌که باید در ادامه بگویند «کما تعترفون»؟! نه «کما یعترف مخالفونا». اگر مخاطب آن‌ها باشند که دارند جواب آن‌ها را می‌دهند، باید بگویند «کما تعترفون»، «کما تدعون». این برای این‌جا.

حال برگردیم به برداشتی که من دارم. برداشتی که من دارم این است: قائل در «انتم تروون» شیعه است. چرا؟ چون سرتاسر کتاب سائل شیعه است و از یک عالم شیعه عقاید را پرسیده است. همانطور که سؤال را خواندم و دیدید. خب پس «ان قال قائل» به چه معنا است؟ یعنی «ان قال قائل من الشیعه». شمایی که این را برای من فرستاده‌اید. می‌گویید پس «انتم تروون» به چه معنا است؟ یعنی «انتم ایها العلماء». ما عموم شیعه هستیم و شما به ما می‌گویید از قرآن چیزی کم و زیاد نشده است. درحالی‌که «انتم تروون»؛ شما علماء برای ما شیعیان روایت می‌کنید که ائمه به این صورت خوانده‌اند. حال که ائمه ما به این صورت خوانده‌اند پس چطور به ما می‌گویید نه کم و نه زیاد شده است؟ «فان قال قائل» از شیعه و از همین سنخ از سؤال که اگر اینطور است پس چطور «انتم تروون». یعنی در محدوده ما عموم شیعه اینطور می‌گویید. دراین‌صورت خیلی خوب می‌شود که می‌گویند: «کما یعترف مخالفونا». به این قائل شیعه می‌گویند «مع انه لاینکر ان تاتی القرائه علی وجهین منزلین کما یعترف مخالفونا». ضمیر «ان» می‌شود همین قائل از شیعه و «انتم تروون» علمائی می‌شوند که مقابل سائل روایت می‌کنند و سراغ «مخالفونا» می‌روند.

این عرض من است که روی حساب قرائن به ذهنم می‌آید که به این صورت باشد. اگر هم قائل سومی باشد، دیگر عبارت مجمل می‌ماند. «ان قال قائل» که نه شیعه و نه سنی است. وقتی او بگوید «انتم تروون» یعنی «انتم ایها الشیعه تروون». خب آن جا مانعی ندارد که شیخ مفید بفرمایند «کما یعترف مخالفونا» چرا؟ چون سائل نه شیعه و نه سنی است. چون نه شیعه و نه سنی است، دیگر عبارت همینطور حالت مجمل می‌ماند. این حاصل عرض من است.

شاگرد: می‌تواند سؤال فرضی از ناحیه سنی باشد. یعنی اگر او اینطور بگوید ما هم اینطور می‌گوییم. این‌که گیری ندارد.

استاد: خب دراین‌صورت «یعترف مخالفونا» چه می‌شود؟

شاگرد: اگر فرضی باشد دیگر لازم نیست که آن‌ها را مخاطب قرار بدهد.

استاد: مانعی ندارد. ایشان هم که فرمودند «انه لاینکر» یعنی خود شخص فرضی. «لاینکر» هم شاید به این معنا شود که «لایمکن»؛ هیچ کسی نیست که این را انکار کند. یعنی امری ممکن است و آن را ممکن بداند. بعدش چه فرمودند؟ «کما یعترف مخالفونا»؛ یعنی مخالفین ما هم به این سؤال فرضی اعتقاد دارند.

شاگرد: در سؤال فرضی می‌گوییم مخالفین ما شیعه، به این مطلب اعتراف دارند.

استاد: بله، فقط بحث‌های هفته قبل می‌ماند که ایشان نفرمودند. آن چه که من عرض کردم این بود: درجایی‌که کسی با یک مطلبی مخالف است، وقتی حرف مخالفش را می‌آورد، می‌گوید اعتراف کرد؟! «یعترف»؟!

شاگرد: مشکلی ندارد. چون برای آن شیعه می‌گوید. به آن شیعه می‌گوید اگر یک سنی به ما اینطور بگوید، بدان که خود آن‌ها معترف هستند.

استاد: در اینجا که جای اعتراف نیست. آنها خودشان مدعی می‌شوند، اگر من قبول ندارم. یعنی من شیخ مفید قبول ندارم، شمای شیعه هم قبول نداشته باش. فقط اگر می‌خواهیم به سنی جواب بدهیم، می‌گوییم شما می‌گویید ائمه ما چنین روایت کرده‌اند. درحالی که خود شما هم می‌گویید دوبار نازل شده. ما قبول نداریم دوبار نازل شده باشد. من مفید هم ابدا قبول ندارم. ولی چون شما می‌گویید دوبار نازل شده، من طبق مبنای شما می‌گویم که دوبار نازل شده.

شاگرد۲: همان «لایَکرَ» و «یعترف» طبق مبنای شما باشد مانعی ندارد اما چه اشکالی دارد که قائل سنی باشد؟

شاگرد: یعنی همین چیزهایی که شما فرمودید در «قال قائل» هم اگر سنی باشد با تقریب شما جور در می‌آید.

استاد: من خواستم ذهن بسط پیدا کند و الا در محتوا مشکلی ندارید. من خواستم این قائل را سه فرض بکنم و ببینیم کدام یک با عبارت اولویت دارد. و الا مرحوم شیخ هم شاید وقتی «قال قائل» را می‌گفتند همین فرمایش ایشان را گفته باشند؛ یعنی گوینده ای که می‌خواهد بحث علمی بکند. چه شیعه و چه سنی. این مانعی ندارد. ولی خواستم با «یعترف مخالفونا» بگویم که این مناسبت دارد با آن چه که الآن سائل ایشان دارد از جواب ایشان دریافت می‌کند. من خودم چندین بار که رفتوبرگشت می‌کنم، اصلاً به ذهنم نمی‌آید که «انتم تروون» را یک سنی بگوید. اینطور به ذهن من می‌آید. این را برای این می‌گویم که بعداً همه نگاه کنند و فکر کنند. ریخت کتاب، ریخت استفتاء یک شیعه از عالم شیعه است. اما اینکه رفتیم با بحث با سنی ها و اگر بگوید این روایت شما چه می‌شود؟ بگوییم ما که این روایات شما را قبول نداریم. تعدد نزول را هم که ما قبول نداریم. خب پس روایت خودمان را هم قبول ندارید. ولی روایات ما که خودمان قبول ندارید، طبق مبنای شما تعدد نزول است؟! این با فضایی که ایشان بخواهند به شیعه جواب بدهند جور در نمی‌آید. من این عبارت را طبق اشکالی که فرمودند خواندم. تا در اطراف آن تأمل کنید. برای استظهار از اینها و اینکه کدام یک از اینها بشود استظهار کرد ای عبارت بین الوجوه بماند، بر عهده محضر شریف اذهان ناظرین بعدی است.

---

[1]المسائل السرویة ۷۸

[2]همان

[3]همان ۸۳

بازبینی #2
ایجاد شده 25 آوریل 2024 09:51:11 توسط ... .
به روزرسانی شده 1 ژوئن 2024 15:52:12 توسط ... .